

رنگ از منظر قرآن، حدیث و روان‌شناسی*

علی شریفی**

چکیده

همه انسان‌ها با محیط پیرامون خود در ارتباط‌اند. این ارتباط، گاهی با اندیشیدن، گاهی با لمس کردن، چشیدن، شنیدن، بوییدن و گاهی هم با دیدن است. انسان‌ها محیط پیرامون خود را رنگی می‌بینند و این رنگ‌ها در آنان اثری خواه مثبت و یا منفی بر جای می‌گذارد. این تأثیرها ممکن است فیزیکی یا روانی باشد که بعد روانی آن مهم‌تر و آشکارتر است.

علم روان‌شناسی رنگ‌ها، علمی نوین و نوپاست که تأثیرهای روانی رنگ‌ها را بر انسان‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. قرآن هم بشر را از این علم بی‌بهره نگذاشته و طعم این علم را از چهارده قرن قبل به ذائقه‌اش چشانده است.

در قرآن از رنگ‌های آبی، زرد، قرمز، سبز، سیاه و سفید یاد شده است و تأثیر آنها بر انسان به طور مستقیم یا غیر مستقیم بیان شده است. رنگ آبی مایه آرامش؛ زرد مایه شادی و روشنایی؛ قرمز، هیجان‌انگیز، سبز، رنگ تمدد اعصاب، سیاه رنگی دارای کراهت و سفید، رنگی شریف، لطیف، ملیح، پاک و... معرفی شده است که این مقاله به بررسی آنها پرداخته است.

واژگان کلیدی: قرآن، حدیث، روان‌شناسی، رنگ.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۱۳

** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران a.sh374@yahoo.com

مقدمه

استعداد انسان در کشف ناشناخته‌ها و گشودن قفل‌ها و بحث از دشواری‌ها و نهان‌ها، استعدادی طبیعی است. انسان به حکم ترکیب معنویش نمی‌تواند در برابر مجهولات دست بسته بماند، بلکه در نهاد او انگیزه‌ای است که می‌خواهد به هر چیز که بر حواس و خرد او تأثیر می‌گذارد، معرفت پیدا کند (خطیب، قرآن و علم روز، ۱۳۶۲: ۲۱). رنگ‌ها از جمله عوامل بارز طبیعی هستند که هم جسم و هم روح و خرد انسان را مورد تأثیر قرار می‌دهند. طبق تحقیقات جامعه‌شناسی، رنگ‌ها نه تنها افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، بلکه منجر به پیشرفت یا رکود جامعه می‌شوند. عدم جایگزینی صحیح رنگ در مکان خاص خود و به کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی، صدمات روحی شدیدی بر انسان وارد می‌آورد. اصلاح املائی کودک با خط قرمز توسط معلم، چراغ قرمز هشدار دهنده برای رانندگان، سفید بودن پاکت شیر، رنگ آبی یا سبز روشن دیوارهای کلاس درس یا کتابخانه برای مطالعه بهتر و استفاده از پوشش سفید برای پزشک و سبز برای بیماران، همه مؤید این مطلب است که ارتباطی تنگاتنگ بین نظام خلقت انسان و طبیعت وجود دارد (پهلوان حسین، روان‌شناسی رنگ‌ها و قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۱۸۹/۱).

با توجه به وجود روحیه حقیقت‌طلب در انسان و غریزه کشف مجهولات، در سال‌های اخیر بیشتر توانسته است به راز تأثیر رنگ‌ها بر روند زندگی پی ببرد و آن را در قالب علم روان‌شناسی رنگ‌ها معرفی نماید. در قرآن کریم نیز مسئله رنگ‌ها و تأثیر آنها بر زندگی انسان مورد اشاره قرار گرفته است.

۱. مفهوم رنگ

رنگ در لغت، کیفیتی است که از ظاهر چیزی دیده می‌شود؛ مانند سفیدی، سرخی، سبزی. ابن منظور در این باره گوید: رنگ هیئتی است چون سیاهی و قرمزی. رنگ هر شیء چیزی است که باعث تمایز آن از شیء دیگر می‌شود (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۷). طریحی نیز رنگ را چون ابن منظور تعریف کرده است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۳۰۳/۶)؛ بنابراین، باید گفت که رنگ از مفاهیم بسیار واضح و معروف در میان عرف

و فرهنگ‌های عمومی است؛ به گونه‌ای که برخی از اهل لغت نیازی به تعریف آن ندیده‌اند. رنگ در اصطلاح یک انعکاس مرئی است که در اثر عبور، انتشار یا بازتاب ترکیب رنگ‌ها توسط اشیاء به وجود می‌آید. از دیدگاه علمی ثابت شده که همه رنگ‌ها از تشعشع‌های نور خورشید است و هر شیء به میزان شفافیت و خاصیت جذب پرتوها، بعضی پرتوها را جذب می‌کند و برخی را باز می‌تاباند؛ در نتیجه، آن شیء را به رنگ پرتوهای بازتاب شده می‌بینیم. از سوی دیگر، این پرتوها با ترکیب شدن، نورهای دیگری را می‌سازند که بر یافته‌های مخروطی شکل اعصاب چشمی اثر می‌گذارد و سبب دیدن آن نور می‌شود. وقتی جسمی همه نورها را بازتاباند، سفید و زمانی که همه نورها را جذب کند، سیاه دیده می‌شود (رستم‌نژاد و نوید، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، نشریه قرآن و علم، ۱۳۱/۷).

دنیایی که ما آن را نظاره می‌کنیم، از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است؛ فرم (شکل) و رنگ که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا برخورد نور به شیئی و انعکاس آن باعث دیدن رنگ می‌شود. هر موجودی که در این دنیا به چشم می‌خورد، ابتدا از لحاظ شکل و اندازه احساس می‌گردد. سپس در حالی که دارای پوششی از رنگ است، مورد توجه قرار می‌گیرد. در عین حال، رنگ علامت مشخصه هر شیئی طبیعی است؛ همان‌طور که گل سرخ به خاطر رنگش از دور جلب توجه می‌کند و نظر بیننده را به خود معطوف می‌دارد و یک میوه رنگی با رنگش اعلام می‌کند که رسیده است و یا نارس می‌باشد.

بیشتر افراد بینا در میان رنگ‌ها و به یاری رنگ‌ها زندگی و کار می‌کنند و می‌اندیشند؛ بدانند یا نه، بخواهند یا نه، نظامی از رنگ‌ها و کارکردهای رنگ‌ها و منطقی رنگین یعنی نمادگرایی رنگ‌ها فکر و ذکر آنها را به خود مشغول می‌کند. شناسایی بدون رنگ ممکن نیست. رنگ‌ها، درست یا غلط، سرچشمه یا انگیزه برخی احساسات و پاسخ‌های حسی، روانی و حتی شناختی محسوب می‌شوند (ویتگنشتاین، دربارهٔ رنگ‌ها، ۱۳۷۹: ۱۶۵).

رنگ، زندگی است؛ زیرا جهان بدون رنگ بی‌ایمان و مرده جلوه می‌کند. نور اصلی بدون رنگ است و مقابل آن، تاریکی بدون رنگ است؛ همان‌گونه که از شعله آتش نور بیرون می‌تابد، بدین‌سان هم نور رنگ‌ها را به وجود می‌آورد. نور که اولین پدیده در جهان است، از طریق رنگ‌ها روح و طبیعت زنده جهان را برایمان آشکار می‌سازد (ایتن، عناصر

رنگ، ۱۳۷۸: ۱۰).

۲. رنگ در علم روان‌شناسی

روان‌شناسی دانشی بسیار گسترده است و از رشته‌ها و دیدگاه‌های اجتماعی و آموزشی گوناگون تشکیل یافته است؛ لذا نمی‌توان یک تعریف جامع و مقبول از همه روان‌شناسان ارائه داد. با این همه، اکثر پژوهش‌گران این رشته، روان‌شناسی را دانش رفتار و فرآیندهای روانی تعریف کرده‌اند که هم رفتار مشهود و هم اندیشه و احساس‌های پنهان را مورد بررسی قرار می‌دهد (پارسا، بنیادهای روان‌شناسی، ۱۳۷۸: ۱۲).

انسان‌ها غالباً سلیقه خاصی در انتخاب رنگ‌ها داشته و هر کس رنگ بخصوصی را بیشتر از سایر رنگ‌ها دوست دارد. شاید همه مردم این را ندانند که انسان‌ها بیش از حد تصور خود از رنگ‌ها تأثیر می‌پذیرند و باید اذعان کرد که غالب مردم، هنوز به یقین و دقیق نمی‌دانند که از نظر روان‌شناسی و فیزیکی تا چه اندازه تحت تأثیر رنگ‌ها هستند.

رنگ‌ها با تمام عوامل و جزئیات زندگی ما چنان رابطه تنگاتنگی دارد که باید گفت وجود فیزیکی و روحی انسان را با سایر جزئیات و پدیده‌های جهان هستی در ارتباط قرار می‌دهد. این ارتباط و تأثیر تا حدی است که بشر برای بیان احساسات درونی از رنگ‌ها استفاده می‌کند. همگان می‌دانند که هر فردی، نسبت به رنگی خاص، جاذبه و یا دافعه‌ای دارد، حتی اگر دافعه یا جاذبه شخص بسیار کم باشد.

از روزگاران بسیار دور، رنگ‌ها همواره پیرامون بشر را احاطه کرده و وی را تحت نفوذ خود درآورده است. زندگی بشر اولیه تحت تأثیر دو عاملی قرار داشت که خارج از کنترل او بودند؛ این دو عامل روز و شب است؛ یعنی تاریکی و روشنی. شب محیطی را پدید می‌آورد که فعالیت بشر را متوقف می‌کند. روز موجب محیطی بود که در آن کار و عمل مقدور بود؛ لذا بشر اولیه در روز دست به کار می‌شد تا توشه مواد غذایی خود را پر کند یا به جست‌وجوی شکار بپردازد. شب به همراه خود، بی‌حرکتی، آرامش و کاهش عمومی سوخت و ساز فعالیت‌های جسمانی را به ارمغان می‌آورد، اما روز به همراه خود، امکان کار، عمل و افزایش فعالیت جسمانی را می‌آورد و به انسان نیرو و هدف می‌دهد.

رنگ‌های مرتبط با این دو محیط رنگ آبی متمایل به تیره آسمان شب و زرد روشن نور

آفتاب می‌باشد؛ لذا رنگ آبی متمایل به تیره، رنگ آرامش و عدم فعالیت است، در حالی که رنگ زرد روشن، رنگ امید و فعالیت است. چون هر یک از این دو نشان‌گر محیط‌های شب و روز است؛ از این رو، هر یک به جای اینکه در کنترل بشر قرار گیرد عاملی است که انسان را در کنترل خود دارد (لوشر، روان‌شناسی رنگ‌ها، ۱۳۷۳: ۱۹-۲۲).

معلوم شد که انسان‌ها از همان ابتدای خلقت، از رنگ‌ها تأثیر می‌پذیرفته‌اند تا جایی که فعالیت‌های روزمره خود را بر اساس رنگ‌ها (روز و شب) تنظیم می‌کرده‌اند. بشر که همواره در پی کشف مجهولات و علل پدیده‌هاست، در عصر نوین، بابتی در علم روان‌شناسی با عنوان «روان‌شناسی رنگ‌ها» باز نموده تا از اسرار پدیده رنگ که از ابتدای خلقت انسان او را تحت الشعاع خودش قرار داده است، پرده بردارد.

رنگ بر نیازهای روحی - روانی، شرایط یادگیری، کنترل رفتار خشم‌گینانه، احساسات، درمان افسردگی، اختلالات یادگیری و سطح انرژی اثر دارد و برای کنترل نبض، تپش قلب، فشار خون، اشتها و حتی خواب مفید است. همچنین در درمان بیماری‌هایی مانند میگرن، سرطان، اعتیاد، امراض پوستی و حتی تومورهای مغزی مؤثر است (عرب اول، دنیای رنگ‌ها، ۱۳۸۸: ۲۴۷/۱)؛ برای نمونه، رنگ سفید، نماد پاکی، پاکدامنی، بی‌گناهی و صلح است (شی جی واه، هم‌نشینی رنگ‌ها، ۱۳۷۷: ۲۲). این رنگ، رنگی ملیح و براق است و باعث می‌شود که انسان آن گونه که هست، جلوه کند و اثری دلگشا دارد (لوشر، روان‌شناسی رنگ‌ها، ۱۳۷۳: ۹۳). این گونه است که امروزه علم روان‌شناسی اثبات کرده است که هر رنگی نشانه یا درمان است و در ایجاد جاذبه و دافعه، توازن و تعادل بین ذرات عالم می‌تواند مؤثر باشد حتی گاهی راز دل خلاق را رو می‌کنند؛ به گونه‌ای که علاقه هر شخص به رنگی خاص، حکایت از شخصیت درونی و ذوق او دارد.

گفته شده است که رنگ روشن، خوشحال کننده و رنگ تیره غم‌انگیز است و رنگ سرخ و قرمز، تقویت کننده و محرک می‌باشد. رنگ سبز، آرامش دهنده و استراحت دهنده است. رنگ زرد، بسیاری از حشرات را دور می‌کند. در بیمارستان‌های روانی، بیماران تندخو را تحت تأثیر مداوم رنگ آبی و بیماران منزوی و بی‌تحرک را با رنگ زرد مداوم می‌کنند؛ زیرا این رنگ، تحریک کننده ذهن و هوش نیز هست و شدیداً موجب تقویت فکر انسان می‌شود.

امام علی علیه السلام رنگارنگی پرهای طاووس را سبب بروز احساسی همچون تکبر در وی می‌داند و می‌فرماید: «كَأَنَّهُ قَلْعُ دَارِي عَنَجَهُ نُوتِيَهُ يَخْتَالُ بِالْوَانِهِ...؛ گویا آن دم مانند بادبان کشتی است که کشتیبان آن را از جانبی به جانب دیگر می‌گرداند و او به رنگ‌هایش به خود می‌نازد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴).

۳. رنگ در قرآن کریم

هر اثر هنری از لحظه‌ای که ارائه می‌شود، منش ارتباطی می‌یابد (احمدی، حقیقت و زیبایی، ۱۳۸۳: ۳۹۱). قرآن نیز با وجود اینکه یک کتاب هنری یا علمی صرف نیست، چه از جنبه هنری و چه از جنبه علمی، هم تأثیرات روان‌شناختی رنگ‌ها را بیان کرده و هم با نوع بیان هنری خود، از طریق نام رنگ‌ها بر مخاطب اثر می‌گذارد.

در قرآن کریم از شش رنگ سفید و سیاه (بقره/۱۸۷؛ آل عمران/۱۰۶؛ نحل/۵۸؛ زمر/۶۰؛ زخرف/۱۷) زرد (بقره/۶۹؛ روم/۵۱؛ زمر/۲۱؛ حدید/۲۰؛ مرسلات/۳۳)، سبز (انعام/۹۹؛ یوسف/۴۳ و ۴۶؛ یس/۸۰؛ کهف/۳۱؛ حج/۶۳؛ الرحمن/۷۶؛ انسان/۲۱)، کبود (آبی) (انعام/۶۹) و قرمز (فاطر/۲۷) یاد گردیده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به تأثیرات روان‌شناختی و بعضاً فیزیولوژیکی آنها اشاره شده است.

رنگ در قرآن کریم هم به شکل توصیفی و هم استعاره‌ای وجود دارد. کاربرد اصلی رنگ در تشریح قدرت آفرینش پروردگار بوده است که در حضور و تغییر رنگ‌های مختلف در جهان دیده می‌شود. البته ارزش‌های فرهنگی نیز در موارد کاربرد استعاری رنگ‌ها رؤیت‌پذیر است (Rippin, EQ, 2/365-366).

در فصول سال که حاوی رنگ‌های مختلف است برای خردمندان نشانه‌هایی هست ﴿الْم تَرَأَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتْرَهُ مَضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۲۱)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فروفرستاد و آن را به چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله آن زراعتی را با رنگ‌های متفاوتش بیرون می‌آورد؛ سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می‌گرداند؟! قطعاً، در این

(مطلب) تذکری برای خردمندان است.

مشاهده رنگارنگی در خوراکی‌ها نیز دیده و خوردن آنها را لذت بخش‌تر می‌کند؛ ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا﴾ (فاطر/۲۷)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، به وسیله آن محصولاتی که رنگ‌هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم».

دگرگونی زبان‌ها و رنگ‌های مردم نیز آیتی برای دانشمندان دانسته شده است؛ ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (روم/۲۲)؛ «و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌هایتان و رنگ‌های شماست. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی برای دانایان است».

۳-۱- رنگ آبی

این رنگ به صورت مستقیم یک بار در قرآن به معنای حزن و اندوه به کار رفته است: ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ (طه/۱۰۲)؛ «همان روزی که در شیپور دمیده می‌شود؛ و خلافاکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گرد می‌آوریم!».

رنگ آبی در این آیه دلالت بر ترس و وحشت نمی‌کند؛ جز آنکه با رنگ سیاه ترکیب شود و مجرمان با بدن‌های کبود در آن روز جمع می‌شوند. «زُرْقًا» آبی پر رنگ است و خود این واژه بر شدت آبی دلالت دارد؛ بر عکس آبی باز و کم رنگ که همان رنگ آسمان و دریاهاست که بسیار آرام بخش است. رنگ آبی آسمان، اثر تسکینی شگرفی بر انسان می‌گذارد، لذا خداوند رنگ آسمان و اقیانوس‌ها و دریاها را (که تصویر آبی آسمان را در خود نشان می‌دهند) به رنگ آبی مزین ساخته است. بدین ترتیب، خداوند حکیم زندگی انسان را بر اساس فطرت و نیاز روحی او رنگ‌آمیزی کرد و این دلالت بر ربوبیت خدای واحد دارد. انسان وقتی به آسمان می‌نگرد، رنگ آبی را می‌بیند که آرام‌بخش است و چون به زمین می‌نگرد، رنگ سبز را می‌بیند که حالتی مسرت‌بخش و متعادل به روان او می‌بخشد. آبی به دلیل همین خواص، بهترین رنگ برای کاشی کاری مساجد و زیارت‌گاه‌ها می‌باشد. آسمان در شب به رنگ آبی تیره و کبود در می‌آید و چه زیباست که قرآن شب را مایه استراحت قرار

داده است (رستم‌نژاد و نوید، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، مجله قرآن و علم، ۱۳۱/۷).
رنگ‌شناسان معتقدند رنگ آبی تیره (رنگ شب) ساختار آرامش و سکوت کامل است. این رنگ از یک تأثیر آرام بخش در سیستم اعصاب برخوردار است. فشار خون، نبض و تنفس در اثر آن کاهش می‌یابد و در عین حال، بدن تجدید قوا می‌کند و نیرو می‌گیرد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأکید اسلام برای تهجد و شب زنده‌داری نیز همین می‌باشد؛ چرا که انسان در لباس شب از آرامشی بهره‌مند می‌شود که حتی اثر آن به معاش در روز هم کشیده می‌شود (پهلوان حسین، روان‌شناسی رنگ و قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

امام صادق (علیه السلام) در کتاب توحید مفضل با اشاره به رنگ کبود آسمان در شب می‌فرماید: «پس تفکر کن که چگونه رنگ آسمان را کبود مایل به سیاه قرار داد که نگاه کردن مکرر به آسمان به دیده ضرر نرساند...» (رستم‌نژاد و نوید، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، ۱۳۱/۷).
رنگ آبی، مشترک بین آسمان و زمین و مانند رنگ سبز موجب تقویت چشم است. خداوند این رنگ را برای تسکین و آرامش آفریده است؛ از این رو؛ پزشکان آن را برای اتاق بیماران تب دار نیز تجویز می‌کنند (پهلوان حسین، روان‌شناسی رنگ و قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹). این رنگ برای اتاق خواب پیشنهاد می‌شود؛ چرا که آرام‌بخش و خواب‌آور است (رستم‌نژاد و نوید، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، ۱۳۱/۷).

۳-۲- رنگ زرد

در آیه ۶۹ سوره بقره به درخواست قوم موسی به این رنگ اشاره شده است که گفتند: از پروردگارت بخواه که رنگ گاو را مشخص کند و خداوند فرمود: ﴿صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ﴾ (بقره/۶۹)؛ «در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یک دست است که بینندگان را شاد می‌سازد».

رنگ زرد، محرک فکری است. بر کمبود فکری روحی مؤثر است و برخی حالات عصبی را آرام می‌کند. شاید به همین دلیل این رنگ برای اتاق مطالعه پیشنهاد شده است. در روان‌شناسی رنگ‌ها نیز رنگ زرد نشاط آور و چشمگیر عنوان شده است و اثر آن به صورت روشنی، شادمانی و درخشانی ظاهر می‌شود (لوشر، روان‌شناسی رنگ‌ها، ۱۳۷۸: ۹۴).

برای تحریک ذهن نیز از نور زرد استفاده می‌شود. زرد فزاینده نیروست. زندگی در فضای

زرد انسان را فعال می‌کند. با طلوع اشعه زرد خورشید انسان‌ها برای فعالیت دوباره آماده می‌شوند. در بیمارستان‌های روانی بیماران منزوی و بی‌تحرک را با قرار دادن در نور و رنگ زرد مداوا می‌کنند. زرد یک‌دست آزار دهنده و اگر متغیر باشد، شادی‌آفرین است. زرد سبب بی‌خوابی، هیجان، اضطراب و تلاطم فکری می‌شود. زرد گرم‌ترین رنگ طیف خورشید است (رستم نژاد و نویداعجاز رنگ‌ها در قرآن، ۱۳۱/۷).

۳-۳- رنگ سبز

رنگ سبز زیباترین رنگی است که ده بار در قرآن مطرح شده و در چند آیه به بساط بهشتیان و لباس‌های ابریشمی و حریرهای سبز رنگ آنان با این رنگ اشاره شده است. همچنین رنگ گیاهان سبز هم چند بار در قرآن آمده است. سبز، انتقال دهنده شادی، انبساط خاطر و بهجت است. نماد رویش، حیات و زندگی است. سبز نماد ایمان، کمال و رنگ بهشتی است و چون در رنگ سبز ایمان و اطمینان مشهود است، نزد مسلمانان رنگ مقدس شمرده می‌شود و مردم میان این رنگ و پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت طاهرين علیهم‌السلام و اولادشان ارتباط برقرار می‌کنند (همان).

در مورد رنگ سبز نیز آیات زیادی وجود دارد؛ خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ﴾ (یس/۸۰)؛ «(همان) کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می‌افروزید».

در مورد لباس و تکیه‌گاه بهشتیان نیز اشاره شده است که ﴿وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ...﴾ (کهف/۳۱)؛ «و لباس‌هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می‌پوشند، در حالی که در آنجا بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند». در آیه‌ای دیگر رنگ درختان بهشتی چنین توصیف نموده است: ﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾ (رحمان/۶۴)؛ «دو (بوستان) سبز سیاه فام‌اند» که ابتهجاج درختانش به اوج رسیده است» (الرحمن/۶۴؛ همان، ۱۹۲).

حضرت علی علیه‌السلام نگاه به سبزه و چمن را دعا و تعویذی برای درمان بیماری‌ها دانسته‌اند: «والنظر الى الخضرة نشرة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰).

در مجموع از اشارات قرآن کریم و تحقیقات دانشمندان روشن می‌شود که رنگ سبز از رنگ‌های شادی‌آور و از نشانه‌های پرورگار عالمیان است و به توحید ربوبی دلالت دارد؛ چون همان کسی که انسان را خلق کرده، این طبیعت سرسبز، زیبا و مسرت بخش را برای او آفریده و نهایت پیوستگی، ارتباط و نظم را در کل این مجموعه قرار داده و بین تک تک اجزای آن هماهنگی بخشیده است.

دانشمندان امروزه نیز رنگ سبز را برای درمان بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی به کار برده و آن را خنک کننده، تعدیل کننده نور خورشید و مسکن توصیف کرده‌اند. این رنگ در سیستم عصبی برای بی‌خوابی‌ها و خستگی‌ها مؤثر است. فشارخون را کم می‌کند و مویرگ‌ها را منبسط می‌کند (پهلوان حسین، روان‌شناسی رنگ‌ها در قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹).

۳-۴- رنگ قرمز

رنگ قرمز انرژی دهنده و محرک بسیار قوی است. سوره فاطر، کلمه «حمر» به معنای رنگ قرمز دیده می‌شود: ﴿وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ﴾ (فاطر/۲۷) «و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها)ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟!». آزمایشاتی که بر روی افراد متفاوت انجام شده و آنان را وادار به تفکر بر رنگ قرمز سیر نموده‌اند، نشان داده که این رنگ، سیستم عصبی را تحریک می‌کند؛ یعنی فشار خون را بالا می‌برد و تنفس و ضربان قلب را سریع‌تر می‌کند؛ لذا رنگ قرمز از لحاظ تأثیری که بر سیستم اعصاب دارد، یک عامل محرک به شمار می‌رود و معنای فیزیولوژیک آن، داشتن آرزوهای بسیار، شور و شوق زندگی و تهور و قدرت اراده است (همان، ۱۹۸).

در مورد رنگ قرمز آنچه از سنت رسول خدا ﷺ در این زمینه به ما رسیده، کراهت ایشان در استفاده از رنگ قرمز برای لباس بوده است مگر در اعیاد و در روز جمعه برای جشن و شادمانی که علت آن را می‌توان در تأثیر این رنگ بر روان آدمی جستجو کرد (همان).

۳-۵- رنگ سفید و تأثیرات آن از منظر قرآن کریم

قرآن کریم برای بیان رنگ سفید از ماده «بیض» و مشتقات آن (بیض، بیض، ابيض، تبيض، ابيضت و بیضاء) استفاده کرده است. بیض و مشتقاتش دوازده بار و در دوازده آیه آمده

است. با توجه به آیاتی از قرآن کریم که در آنها از رنگ سفید سخن به میان آمده، می‌توانیم دریابیم که این رنگ تأثیرهای گوناگونی بر انسان دارد:

الف) رنگ سفید، نشانه سعادت‌مندی

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌُ...﴾ (آل عمران/۱۰۶)؛ «(در) روزی که چهره‌هایی سفید

می‌شوند و چهره‌هایی سیاه می‌گردند...».

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ ابْصَرَتْ وُجُوهُهُمُ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۷)؛

«و اما کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند...».

سپیدی از شریف‌ترین رنگ‌هاست (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۱۸۸/۱۶) و در نهایت صفا (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶۹۲/۸) و لطافت (ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ۱۴۲۲: ۱۳۴/۸) است و این لطافت، نورانی است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶۹۲/۸).

گفته شده که سفیدی چهره‌ها «به خاطر نور ایمان است» (تستری، تفسیر التستری، ۱۴۲۳: ۵۰/۱) و آمده است که هر کس در این دنیا قلبی سفید داشته باشد، در آخرت چهره‌اش سفید است (قشیری، لطائف الاشارات، بی‌تا: ۲۶۹/۱). سفیدی از نور است و کسانی که اهل نور حق باشند، به رنگ سفید نامیده می‌شوند و چهره‌هایشان درخشان می‌شود (طبرسی، جوامع الجامع، ۱۳۷۷: ۱۹۵/۱). رنگ سفید، رنگی بسیار لطیف و شریف است و خداوند با سفید کردن چهره مؤمنان در قیامت به شرافت و لطافت آنان می‌افزاید و ملاحظت، پاکي، پاکدامنی و بی‌گناهی آنان را با این رنگ نمایان می‌کند. اصولاً رنگ سفید، نشانه افراد سعادت‌مند در رستخیز است (آل عمران/۱۰۶) و این نکته از نظر نشانه‌شناسی جالب توجه و در خور بررسی است.

ب) رنگ زیبایی در طبیعت

﴿... وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ﴾ (فاطر/۲۷)؛ «...»

و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها)ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟!». خدای تعالی طبیعت را خلق کرده و کوه‌ها را جلوه‌ای از آن دانسته است و این کوه‌ها را با «راه‌ها و رگه‌هایی در آن به رنگ‌های مختلف از جمله سفید» (سمرقندی،

بحرالعلوم، ۱۰۶/۳) معرفی می کند.

چنان که بیان کردیم، رنگ سفید، رنگی لطیف و دلگشا و در نهایت صفاست. حق تعالی با جلوه دادن رنگ سفید در کوه، لطافت‌های طبیعت را به رخ می کشد و با اثری که این رنگ دارد، طبیعت را لطیف و با صفا می کند که باعث دلگشایی انسان به هنگام دیدن آن می شود.

ج) دست سفید؛ نشانه‌ای اعجاز آمیز

— ﴿وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ﴾ (اعراف/۱۰۸؛ شعرا/۳۳)؛ «و دستش را (از

گریبان) بیرون آورد، پس به ناگاه، آن برای بینندگان سفید (و درخشان) شد».

— ﴿وَ اضْمُمُّ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى﴾ (طه/۲۲)؛ «و

دستت را به پهلویت بگذار، تا سفیدگونه، بدون (عیب) بدی، بیرون آید، در حالی که نشانه (معجزه آسای) دیگری است».

— ﴿وَ أَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (نمل/۱۲)؛ «و دستت را در گریبان داخل کن تا سفیدگونه، بدون

(عیب) بدی بیرون آید؛ با نشانه‌های (معجزه آسای) نه گانه به سوی فرعون و قومش (برو؛ چرا) که آنان گروهی نافرمان بودند».

— ﴿أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اضْمُمُّ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ

فَإِنَّكَ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (قصص/۳۲)؛ «دستت

را در گریبان وارد کن، تا سفیدگونه، بدون (عیب) بدی بیرون آید؛ و (دست و) بال را (برای آرامش) از هراس به (سینه) خودت بگذار؛ و این دو (معجزه) دلیل‌های روشنی از جانب پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اوست؛ [چرا] که آنان گروهی نافرمان اند».

یکی از معجزات بارز حضرت موسی (علیه السلام) يد بيضاء یا همان دست سفید و درخشنده بود.

در تفاسیر آمده که سفیدی دست حضرت موسی (علیه السلام) درخششی شبیه به درخشش خورشید داشت که چشم‌ها از شدت سفیدی آن تاریک می شدند (بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۳/۲) و برخی هم گفته‌اند که نور آن بر نور خورشید غلبه داشته است (طبرسی،

جوامع الجامع، ۱۳۷۷: ۱/۴۵۸). خداوند در داستان بنی اسرائیل، بارها معجزه دست سفید و درخشنده حضرت موسی (علیه السلام) را به فرعونیان نشان داد و با قرار دادن دست آن حضرت به این رنگ و سفید جلوه دادن دستش، او را انسانی صلح طلب، به دور از گناه، پاک و پاکدامن معرفی نمود تا قوم متعصب و بهانه‌جوی بنی اسرائیل با دیدن این رنگ آرامش یابند و ایمان آوردن به مکتبش را راحت‌تر پذیرا باشند.

د) لذت‌بخشی و آرامش

- ﴿بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾ (صافات/۴۶): «(شرابی) سپید (و درخشان) که برای نوشندگان لذت‌بخش است».

- ﴿كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ﴾ (صافات/۴۹): «(از شدت سفیدی) چنانکه گویی آنان تخم‌مرغ‌های (زیرپر) پنهان مانده‌اند».

گفته‌اند که این بهترین و نیکوترین رنگ‌هاست (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۵۴۱).

هـ) رنگ سفید مو و چشم، نشانه ضعف، سستی و پیری

- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾ (مریم/۴): «گفت: پروردگارا! به راستی من استخوانم سست گردیده و از جهت پیری، (موی) سر شعله‌ور شده (و سفید گشته است) و پروردگارا! (من) به سبب خواندن تو در (زحمت و) بدبختی نبوده‌ام».

قرآن در آیهای دیگر نیز از رنگ سفید البته به طور غیر مستقیم و با استعاره‌ای زیبا یاد می‌کند. در مورد اشتعال رأس گفته شده که «اشتعال، انتشار شعله‌ها و لهیب آتش در آن چیزی است که آتش گرفته است» و آیه ﴿وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا﴾ از نیکوترین استعارات است و معنای آن انتشار پیری (سفیدی مو) در سر است؛ همان گونه که شعله‌های آتش انتشار می‌یابد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۸/۱۴). نیز گفته‌اند تشبیه محاسن در سفیدی و انتشار آن در مو به شعله‌های آتش است (آندلسی، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۷/۲۳۹). طبرسی نیز گفته است: معنای آن درخشش محاسن در سر است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،

۱۳۷۲: ۷۷۶/۶) از آیه ﴿وَ اَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ﴾ (یوسف/۸۴)؛ «و دو چشم او از اندوه سفید شد» به دست می‌آید که بینایی حضرت یعقوب (علیه السلام) از بین رفته بود. بعضی‌ها گفته‌اند با بیاض عین مقداری از بینایی باقی می‌ماند. علامه در ردّ این سخن می‌گوید: آیه ۹۳ همین سوره که می‌گوید: این پیراهن مرا ببرید و به صورت پدرم ببندازید که بینا می‌شود، دلیل آن است که بینایی وی از بین رفته بود.

خداوند سفیدی چشم را حاصل شدت غم و حزن معرفی کرده و مفسران این سفیدی را به کوری تعبیر نموده‌اند (طوسی، التبیان، بی تا: ۱۸۲/۶). خداوند رنگ سفید چشم را ناراحت کننده، بیان گر شدت غم و اندوه، و سفیدی موها و محاسن را بیان گر سستی، پیری و ضعف می‌داند و از طرفی، آن را لذت بخش و لطیف بیان می‌کند و تأثیر این رنگ را دو وجهی می‌شمارد. علم نوین روان شناسی نیز با این جمله که می‌گوید: این رنگ می‌تواند رنگ یک سرویس گران قیمت چینی باشد و یا رنگ یک ظرف کاغذی یک بار مصرف، دو وجهی بودن این رنگ را اذعان کرده و مؤید همین مطلب در قرآن است.

(و تأثیر رنگ سفید در همنشینی و ترکیب با رنگ سیاه

- ﴿... وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ

الْفَجْرِ...﴾ (بقره/۱۸۷)؛ «... و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید بامداد، از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار گردد...».

- ﴿وَ حُورٌ عِينٌ﴾ (واقعه/۲۲)؛ «و حوریان فراخ چشم (و سپید چشم)».

در آیات آل عمران/۱۰۶، فاطر/۲۷، دخان/۵۴، طور/۲۰ و الرحمن/۷۲ ملاحظه می‌شود که رنگ سیاه و سفید به صورت زیبایی در کنار هم آمده‌اند و زیباتر از همه این است که این دو رنگ در یک کلمه - که آن هم حور می‌باشد - آمده است.

حور در لغت شدت سفیدی چشم در شدت سیاهی آن است (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۰: ۳۰۶/۲؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۲۷۸/۳) و در تفاسیر در این مورد دیدگاه‌های مختلفی ذکر شده است؛ از جمله: سفید روی (بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۸۲۶/۳)، سفید (فراء، معانی القرآن، بی تا: ۴۴/۳)، سفید رو و با چشمان زیبا (سمرقندی،

بحرالعلوم، بی تا: ۲۷۴/۳)، سفید روی و با لباس سبز و خالی از زیور آلات (سورآبادی، تفسیر سور آبادی، ۱۳۸۰: ۲۲۹۳/۴) و سفید بودن سفیده چشم به غایت سفیدی و سیاهه آن در نهایت سیاهی (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۲۱۹/۱۷) چنان که از معنای حور در لغت و تفاسیر برمی آید، حور دارای رنگ سفید و سیاه است و مطابق علم امروزی، استفاده از رنگ سیاه و سفید در کنار هم، باعث می شود که فرد از درون آرامش یابد و عدم تعادل و توازن وی از بین برود (لوشر، روان شناسی رنگها، ۱۳۷۳: ۹۹).

نیز ملاحظه می شود که قرآن، با ظرافت بسیار زیاد و زیبایی از جهنم و عاقبت کافران سخن می گوید بدون اینکه کوچکترین تأثیر منفی در درون مخاطب خود ایجاد کند.

ز) توصیف اعجاز آمیز بهشت با توجه به تأثیرات رنگ سفید

اگر کسی کلمه قرمز را که نام یک رنگ است، بر زبان آورد و پنجاه نفر هم آن را بشنوند، می توان گفت که پنجاه نوع قرمز به ذهن آنان خطور می کند و مطمئناً همه آنان هم با هم متفاوت هستند. حتی هنگامی که رنگ به خصوصی را مشخص می کنیم که تمام افرادی که نام آن را می شنوند، بارها آن را دیده باشند، باز هم هر یک از آنان قرمزی متفاوت با دیگری را به خاطر می آورد.

وقتی پیوستگی ها (تداعی ها) و واکنش هایی را که در ارتباط با رنگ و نام آن تجربه شده اند، به رنگ اضافه می کنیم، احتمالاً باز هم اختلاف در مورد تشخیص رنگ بیشتر می شود. اینها چه چیزی را نشان می دهند؟

به خاطر آوردن رنگ های مشخص، اگر غیرممکن نباشد، مشکل است. این مسئله این حقیقت مهم را مورد توجه قرار می دهد که حافظه بصری در مقایسه با حافظه شنوایی بسیار ضعیف است. در حافظه شنوایی، اغلب ملاحظه می شود که شخص پس از یک یا دو بار شنیدن یک ملودی، می تواند آن را تکرار نماید (آلبرز، تأثیر متقابل رنگها، ۱۳۶۸: ۲۰-۲۱). پس حافظه بصری ضعیف است و تصور دوباره انسان بعد از دیدن رنگ آن است که خود می خواهد نه آنکه مورد نظر نویسنده یا گوینده نام رنگ است.

«یکی از مهم ترین روش های تصویر آفرینی در قرآن، سخن گفتن درباره مجردات و معنویات در لباس محسوسات و اجسام مادی است. «روش تصویر و نمایش هنری»

(محسوس سازی و تجسیم) از روش‌های تعبیری، برتر و زیباتر است. برای بیان این برتری کافی است که معانی در صورت‌های ذهنی مجرد تصوّر شود (تخیل هستی)، سپس آنها را در صورت‌های تصویری شخصیت‌پردازی کنیم (تجسیم فنی). در روش اول، ذهن و ادراک مخاطب است، ولی در روش دوم، حس و وجدان. قانون «تخیل» و آیین «تجسیم» دو قانون بارز و آشکار در بیان و نمایاندن تصاویر فنی و هنری قرآن است (پیری سبزواری، جلوه‌هایی از اعجاز هنری قرآن از دیدگاه سید قطب، بی تا: ۲).

قرآن با به کارگیری این دو قانون و روش، جنبه‌ای از اعجاز خود را به نمایش می‌گذارد؛ بدین صورت که با نام بردن رنگ سفید در توصیف بهشت، نوشیدنی‌ها و همسران بهشتی، مخاطب را وادار به تصور رنگ سفید می‌کند. چنان که بیان شد، مخاطب نیز آن رنگی را که خود به آن علاقمند است، متصور می‌شود؛ لذا انسان با خواندن و یا شنیدن آیاتی که در آنها بهشت با رنگ سفید توصیف شده است، بهترین حالت رنگ سفید را در اوج لطافت، شرافت، روشنی، پاکی، ملاحظت، صفا، رؤیا و... برای خود در بهترین مکان به تصویر می‌کشد و این یک عامل بسیار فوق‌العاده روان‌شناسانه برای ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال نیک و دوری از گناه است که قرآن از آن استفاده کرده است.

ح) رنگ سفید در روایات

در روایتی از رسول الله ﷺ آمده است: «از لباس‌های شما هیچ کدام بهتر از لباس‌های سفید نیست، برای پوشیدن آن را انتخاب کنید: «لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنُ مِنَ الْبِيَاضِ، فَالْبِسُوهُ» (پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ۱۳۶۳: ۶۹/۱۸). شاید سبب پاکیزه‌تر بودن جامه سفید آن باشد که این رنگ بیشتر و بهتر از هر رنگ دیگری، لکه‌های سیاه را آشکار می‌سازد و پوشنده را زودتر به تعویض جامه و نظافت آن وادار می‌کند (دانشمند، استفاده از رنگ‌های شاد، ۱۳۶۳: ۲).

با توجه به آیات قرآن، رنگ سفید از رنگ‌های بهشتی است و این روایت ذیل نیز مؤید همین مطلب است:

فرات ابن ابراهیم کوفی در تفسیرش از ابن عباس روایت کرده است: زمانی که روز قیامت به پا شود، منادی ندا می‌کند: ای مردم! چشمان خود را ببندید تا فاطمه (علیها السلام) دختر محمد (صلی الله علیه و آله) را ببیند.

عبور کند، فاطمه علیها السلام اولین کسی است که دوازده هزار حوریه از فردوس او را استقبال خواهند کرد. آنان احدی را قبل از فاطمه علیها السلام و بعد از آن بانو استقبال نکرده و نخواهند کرد. آن حوریه ها بر ناقه‌هایی سوارند که بال‌های آن از یاقوت، مہار آنها از لؤلؤ و رحل‌هایی از درّ بر پشت آنهاست که بر هر یک از آنها بالشی از سندس قرار دارد و رکاب‌های آنها زبرجد است. آنان از صراط می‌گذرند تا فاطمه زهرا علیها السلام را وارد فردوس می‌نمایند و اهل بهشت با آن بانو ملاقات خواهند کرد. در وسط فردوس قصرهای سفید و زردی است از لؤلؤ که در یک محل می‌باشد. در آن قصرهای سفید، هفتاد هزار خانه است که منزل حضرت محمد و آل طاهر آن بزرگوار علیهم السلام است (روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا، ۱۳۷۹: ۸۵۲).

بهشتی بودن دو رنگ زرد و سفید، بیانگر روشن، درخشنده، مصفا، لطیف، شریف، رؤیایی بودن و... می‌باشد.

خداوند شرابی سفید را لذتی برای نوشندگان آن بیان کرده و با این بیان، درخشندگی این رنگ را موجب لذت و آرامش روح می‌داند.

این نکته نیز جالب توجه است که رنگ سفید مانند رنگ‌های ملایم ابرهای تابستانی، لطیف و رؤیایی است و این خود، باعث ایجاد لطافت روحی و اوج لذت در رؤیا می‌شود؛ به همین دلیل، همسران بهشتی را سفید معرفی می‌کند تا آرامشی برای بهشتیان باشند و از آنها لذت ببرند.

در نقطه مقابل رنگ سفید، در مورد رنگ سیاه نیز روایات معتبری از معصومان علیهم السلام درباره کراهت آن نقل شده است؛ از جمله روایت زیر:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ فِي رَجُلِي نَعْلٌ سَوْدَاءٌ فَقَالَ يَا حَنَانُ مَا لَكَ وَ لِلسَّوْدَاءِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تُضْعِفُ الْبَصَرَ وَ تُرْخِي الذِّكْرَ وَ تُورِثُ الْهَمَّ وَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا الْبَسُّ مِنَ النَّعَالِ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ تَشُدُّ الذِّكْرَ وَ تَذَرُّ الْهَمَّ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ» (کلینی، کافی، ۱۳۶۵: ۴۶۵/۶).

روان‌شناسان رنگ سیاه را بی‌رنگی مطلق می‌دانند که تمام رغبت‌ها را از بین می‌برد؛ از این‌رو، در قرآن چهره دوزخیان با رنگ سیاه نشان داده شده است؛ به گونه‌ای که کسی به آنان

توجه ندارد: ﴿وَجُوهُهُمْ مُسْوَدَةٌ﴾ (زمر/۶۰). قیامت عرصه بروز اسرار نهان و تجسم اعمال و افکار است آنان در این دنیا قلب‌های سیاه و تاریک داشتند و اعمالشان مانند افکارشان تاریک بود، در قیامت این حال درون به بیرون منتقل می‌شود و چهره‌هایشان سیاه خواهد بود.

۴. نتیجه

بی‌شک، اکثر ما به اهمیت رنگ در دنیای امروز واقفیم. در دنیایی که از هر سو مورد بمباران تصویر و رنگ از سوی رسانه‌های دیداری قرار داریم، پیام‌هایی بیشتر در ذهن ثبت و ضبط می‌شود و اثرگذار است که به لحاظ بصری مورد پسند قرار گیرد. رنگ یکی از ارکان اصلی در انتقال این پیام‌ها به شمار می‌رود و در علوم مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و هنر از جنبه‌های مختلف مورد واکاوی قرار گرفته است.

در قرآن کریم و روایات از رنگ‌های مختلف سخن به میان آمده است و به برخی تأثیرات آنها پرداخته شده است. رنگ آبی، مایه آرامش، زرد، مایه شادی و روشنایی، قرمز باعث تحریک اعصاب، سبز، رنگ تمدد اعصاب، سیاه رنگی دارای کراهت و سفید، رنگی شریف، لطیف، ملیح، پاک، پاکدامن و... معرفی شده و خداوند متعال در قیامت، کسانی را که اعمال صالح انجام می‌دهند، با چهره‌ای به این رنگ محشور می‌نماید؛ لذا چهره سفید و درخشنده مؤمنان نمایان‌گر این خصوصیات در آنان است.

قرآن در توصیف بهشت، این رنگ را از رنگ‌های بهشتی می‌داند و از برخی بهشتیان، نوشیدنی‌های بهشتی، همسران بهشتی و... با این رنگ یاد می‌کند. از جمله خصوصیات این رنگ، تصور اوج لطافت، صفا، آرامش و... است. بهشت نیز چون سرای جاودانه و به دور از خستگی، ملالت آوری، اضطراب، تاریکی و... است، با این رنگ توصیف می‌شود.

با توجه به اینکه انسان با شنیدن و خواندن نام هر رنگ، آن رنگی را که مورد پسند خودش است، متصور می‌شود، قرآن نیز با معرفی بهشت به رنگ سفید، مخاطب را وادار به تصور بهترین حالت این رنگ می‌کند و انسان بهترین رنگ، حالت و مکان را برای خود در سرای جاودان تداعی می‌کند؛ چه این یک عامل روان‌شناختی برای ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال صالح و دوری از گناه می‌باشد.

منابع

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. احمدی، بابک (۱۳۸۳ش)، حقیقت و زیبایی (درس‌های فلسفه هنر)، تهران، سعدی، چاپ هشتم.
۵. اصغری‌نژاد، محمد، پژوهشی در رنگ و پوشش‌های رنگی در اسلام، www.seraj.ir.
۶. آلبرز، جوزف (۱۳۶۸ش)، تأثیر متقابل رنگ‌ها، ترجمه عرب علی شروه، تهران، طلوع آزادی.
۷. آندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
۸. ایتن، یوهانس (۱۳۷۸ش)، عناصر رنگ ایتن، ترجمه بهروز ژاله دوست، تهران، عفاف، چاپ سوم.
۹. آیزمن، لئاتریس (۱۳۸۸ش)، روانشناسی کاربردی رنگ‌ها، ترجمه روح الله زمزمه، تهران، ایبانه.
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث.
۱۱. پارسا، محمد (۱۳۷۸ش)، بنیادهای روان‌شناسی، تهران، سخن.
۱۲. پاک‌نژاد، شهید سید رضا (۱۳۶۳ش)، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، هما.
۱۳. پهلوان حسین، اکرم (۱۳۸۷ش)، روانشناسی رنگ‌ها و قرآن کریم، مجموعه مقالات بیست و پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، تهران، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۱۴. پیری سبزواری، حسین، جلوه‌هایی از اعجاز هنری قرآن از دیدگاه سید قطب، www.wegetweb.com.
۱۵. تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، تفسیر التستری، بیروت، دارالکتب

العلمية.

۱۶. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۷. خطیب، عبدالغنی (۱۳۶۲ش)، قرآن و علم روز، ترجمه اسد الله مبشری، تهران، صفا.
۱۸. دانشمند، مرتضی، استفاده از رنگ‌های شاد، www.wegetweb.com.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم - الدار الشامیه.
۲۰. رستم‌نژاد، مهدی و نوید، مهدی (۱۳۸۹ش)، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، نشریه قرآن و علم، شماره ۷.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضایی حوزه و دانشگاه، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ش.
۲۲. روحانی علی آبادی، محمد (۱۳۷۹ش)، زندگانی حضرت زهرا (ع)، تهران، مهام.
۲۳. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی‌تا)، بحر العلوم، بی‌جا.
۲۴. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰ش)، تفسیر سور آبادی، تهران، فرهنگ نشر نو.
۲۵. شی جی وا، هیداکی (۱۳۷۷ش)، همنشینی رنگ‌ها (راهنمای خلاقیت در ترکیب رنگ‌ها)، ترجمه شاهرخ فریال دهدشتی، تهران، کارنگ.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی،

- چاپ سوم.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۱. عدالت، سید محمد جواد، نگاهی به مقوله رنگ در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۶-۴۷.
۳۲. عرب اول، منصوره (۱۳۸۸ش)، دنیای رنگ‌ها، مرز پرگهر، سال هشتم، ۲۴۷.
۳۳. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (بی تا)، معانی القرآن، مصر، دارالمصریه للتألیف و الترجمة.
۳۴. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم.
۳۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (بی تا)، لطایف الاشارات، مصر، الیهیئة المصریة العامه للکتاب، چاپ سوم.
۳۶. لوشر، ماکس (۱۳۷۳ش)، روان شناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران، درسا، چاپ هفتم.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۸. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح)، تدوین محمد بن حسین سیدرضی، قم، انتشارات دارالهجرة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۹. نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۴۰. ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۷۹ش)، درباره رنگ‌ها، ترجمه لیلی گلستان، تهران، مرکز، چاپ دوم.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.